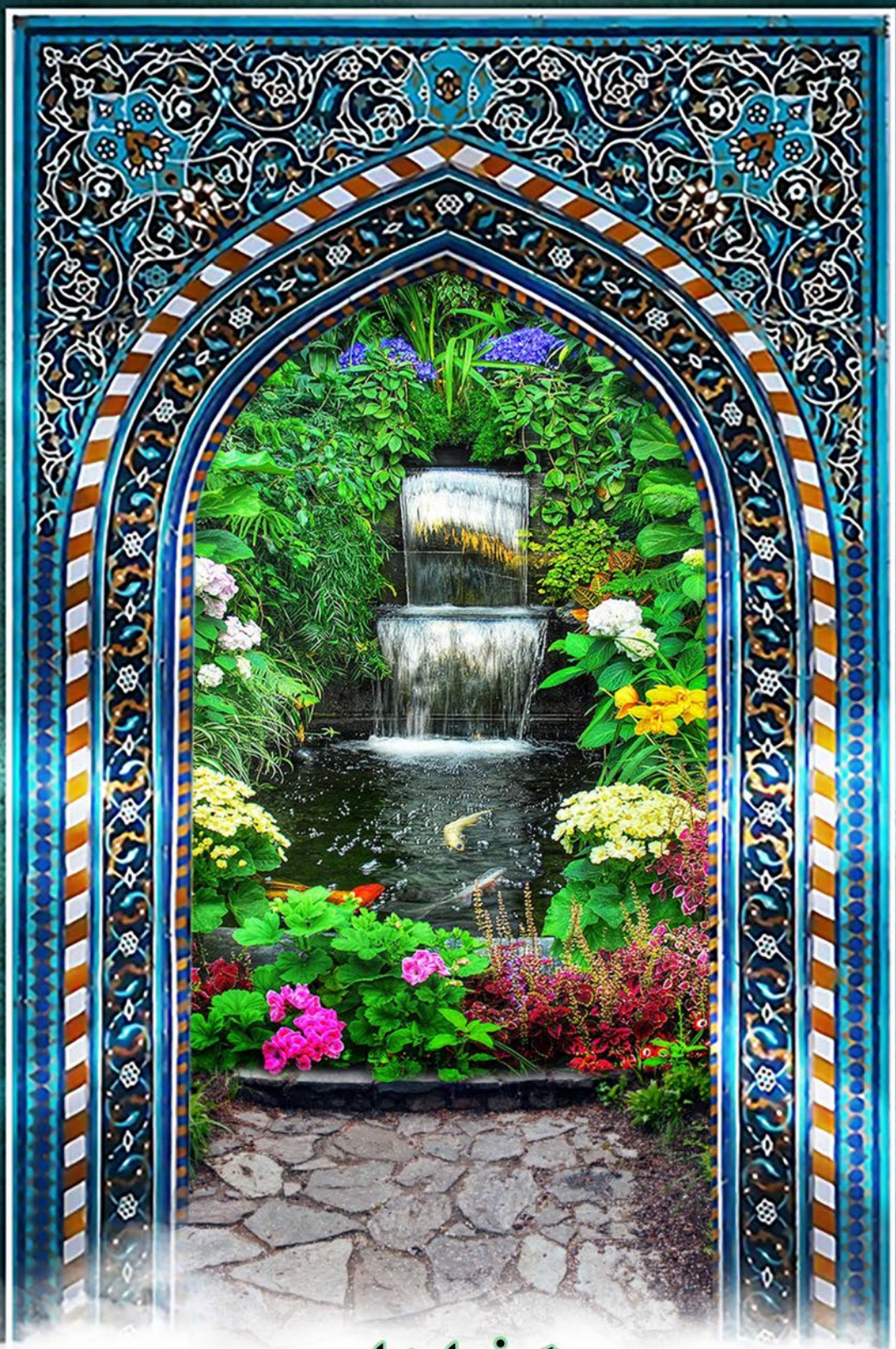




گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



موضوع:

عقاید؛ شناخت آخرت

بسم الله الرحمن الرحيم

گفتاری از آن جناب در وصف بهشت و اهل آن

یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت: در محضر آقایمان منصور هاشمی خراسانی بودیم، پس برای ما خطبه‌ای خواند و در آن به وصف پرهیزکاران پرداخت و در ضمن آن فرمود:

«نمی‌بینید آنانی را که شب‌ها از بیم مرگ نمی‌خوابند و از واهمه‌ی آتش می‌گیرند؟ باور آنان به آخرت چنان است که گویی آن را می‌بینند. اشتیاق‌شان به بهشت اشتیاق کسانی است که میان دشت‌های سرسبز آن گام می‌نهند و در کنار جویباران زیبای آن می‌نشینند و در سایه‌ی درختان پرمیوه‌اش که همواره برقرار است استراحت می‌کنند، در حالی که می‌دانند پس از مرگ نخستین دیگر نخواهند مرد و در همسایگی خدا جاودان خواهند زیست. هر یک از آنان دل از دنیای دون گسسته و به سرای جاودانگی پیوسته است. وقتی به پیش روی خود می‌نگرند خانه‌هایی را می‌بینند که به نور خدا بلندی یافته و پیرامون آن باغ‌هایی است که تا چشم سود می‌دهد گسترده است؛ بهشت‌هایی که وسعت آن‌ها چون وسعت آسمان پهناور بی‌کران و شگفت‌انگیز است. آنان در این هنگام به پشت سر خود که دنیای نازیباست بر نمی‌نگرند؛ زیرا آن‌چه در پیش روی خود می‌بینند آنان را از پشت سرشان مشغول ساخته است. خداوند جلّ جلاله پرده را از پیش چشمانشان برمی‌گیرد و آن‌چه را که برایشان مهیا ساخته است نشانشان می‌دهد؛ پس آنان از شوق آن بی‌قرار می‌شوند و از بیم نارسیدنش خویشتن‌دار می‌گردند. آنان در بهشت همسایه‌ی پیامبران و همنشین صدیقان و شهیدان و صالحان خواهند بود، پس اینان به دیدار آنان می‌روند و آنان به دیدار اینان می‌آیند و این از برترین نعمت‌های بهشت است.»



سپس روی به من کرد و فرمود:

«آیا دوست نمی‌داری که همسایه‌ی محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم و همنشین خاندانش باشی؟!».

سپس به سخن خود بازگشت و فرمود:

«هنگامی که مؤمن را در گور می‌نهند می‌ترسد؛ پس خدا بوی بهشت را به مشام او می‌رساند تا بدان آرام گیرد و اگر کسی بوی بهشت را درنیابد برای او خیر خواسته نشده است. سپس هیچ چیز برای مؤمن خوشایندتر از این نخواهد بود که دوستان خدا را در کنار خود می‌یابد و به آنان انس می‌گیرد. آن‌گاه پس از درنگی که از آن گزیری نیست، دری از درهای بهشت به روی او گشوده می‌شود، پس او مانند دامادی که به حجله‌ی عروس داخل شود، در میان دوستان خدا به بهشت داخل و دیده‌اش به آفاق آن روشن می‌گردد. در این هنگام برخی از کسانی که با او هستند می‌گویند: واگذاریدش تا خود را بازیابد؛ چراکه او از دنیا می‌آید. پس وی در سایه‌ی درختی یا بر کنار رودی یا بر فراز تختی یا در برخی خانه‌ها می‌نشیند و برای او چیزی می‌آورند تا بخورد و بیاشامد و چشمش روشن باشد و خستگی مرگ را بزداید. آن‌گاه به آرامی دوستان شایسته و خویشان نیکوکار او که پیشتر از دنیا رفته‌اند بر وی وارد می‌شوند و خوشامدش می‌گویند و او به دیدار آنان و آنان به دیدار او مسرور می‌گردند. پس چنان می‌پندارد که از سفری بازآمده یا از خواب کوتاهی برخاسته است. سپس او را به دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم مژده می‌دهند و بدین مژده سروری در او وارد می‌شود که مانند آن در او وارد نشده باشد. پس وی به زیارت آن حضرت و به زیارت خلفاء او می‌رود و مورد عنایت آنان قرار می‌گیرد. آن‌گاه او را در بهشتی که پروردگار مهربان ویژه‌ی او ساخته است ساکن می‌کنند و از نعمت‌های بی‌پایان آن بهره‌مند می‌سازند».

من عرض کردم: فدایت شوم، به گفتار خود دل‌های ما را شیفته نمودی! ای کاش نعمت‌های بی‌پایان آن را بیشتر وصف می‌فرمودی! فرمود:

«اگر نعمت‌های بی‌پایان بهشت را آن‌گونه که هست می‌دیدی و از زیبایی‌های

اسرارآمیز آن آگاهی می‌یافتی، چیزی در چشم تو از دنیا و زینت‌های آن بی‌ارزش‌تر نمی‌بود. اگر درختان سرسبز بهشت را می‌دیدى که شاخسارانش در وزش نسیم‌هایی که از زیر عرش می‌آیند می‌لرزد و ریشه‌هایش در تپه‌هایی که از مُشک و زعفران است فرورفته و در زیر آن چشمه‌های گلاب جوشان است، همانا نسبت به شهوات دنیا بی‌رغبت می‌گشتی و آن را برای اهلش و می‌گذاشتی. آیا نمی‌دانی که بر ساقه‌ی درختان بهشت کهربا آویخته و بوته‌های یاس و نیلوفر بنفش پیچیده و آن درختان در میان دشت‌هایی روییده‌اند که از گل‌های هزار رنگ و سبزه‌زاران چشم‌نواز پوشیده شده است؟ آیا نمی‌دانی که در میان آن دشت‌های خرم و پیرامون آن درختان پرمیوه، نه‌رهایی از آب زلال و نه‌رهایی از شیر تازه و نه‌رهایی از غسل باصفا و نه‌رهایی از شراب پاک جاری است؟ و در میان آن‌ها نه‌ری است که به آن تسنیم می‌گویند و نه‌ری دیگری است که به آن سلسبیل می‌گویند و طعم آن مزه‌ی زنجبیل است. آیا نمی‌دانی که از سقف خانه‌های بهشت و دیواره‌ی غارهای آن قندیل‌های الماس آویزان است و سنگریزه‌های آن از مروارید و یاقوت و خاشاک آن از عقیق و فیروزه و خاک آن از مشک و زعفران است؟ در آنجا خانه‌هایی است که با خشت‌های طلا ساخته شده و با برگه‌های نقره زینت یافته و برای آن خانه‌ها دره‌هایی از زمرد سبز و پنجره‌هایی از بُرنز یکپارچه و شیشه‌هایی از بلور شفاف است. در اتاق‌های آن‌ها و پیرامون رودها و میان بوستان‌ها و زیر درختان میوه، تخت‌هایی از چوب بلوط و گردو است که بر آن‌ها نقوشی زیبا حکاکی شده است و بر آن تخت‌ها فرش‌هایی است که از ابریشم خالص بافته شده و بر آن فرش‌ها تشک‌هایی است که از مخمل سبز به هم رسیده و بر آن تشک‌ها پشته‌هایی است که از استبرق آبی نهاده شده است و بر هر تخت سفره‌ای گسترده است که بر آن انواع میوه‌های چهار فصل از سیب و انگور و موز و گلابی و انجیر و انار و آلو و پرتقال و هلو و میوه‌هایی که در دنیا نیست و طعام‌های خوش‌رنگ خوش‌بوی خوش‌طعم و بشقاب‌هایی از بلور و کاسه‌هایی از طلا و قاشق‌هایی از نقره قرار دارد و کنار هر سفره بانوی زیبایی است که مشتاق شوی خویش است، در حالی که جامه‌هایی از تور آبی و دیباج سپید بر تن دارد و خود را به جواهرات زینت داده و با بخور خوشبو ساخته است. گیسوان این بانوان به تیرگی شام سیاه و رویشان به درخشندگی قرص خورشید و اندامشان به لطافت شکوفه‌های بهاریست و گیسوان برخی از آن‌ها طلایی رنگ و گیسوان برخی دیگر به رنگ خرماست و برای آن‌ها چشم‌هایی است به رنگ‌های سیاه، آبی و سبز و لب‌هایی باریک و ابروانی کشیده که



در زیبایی به خیال ننگجد و در دست‌هاشان جام‌های سیمین از شراب و شربت غسل است که به شویشان پیش کش می‌کنند، در حالی که برای مصاحبت او از یکدیگر پیشی می‌گیرند و برای جلب توجه او مسابقه می‌گذارند».

در این هنگام آن حضرت سکوت نمود و پس از مدّتی دوباره فرمود:

«یکی از نعمت‌های بهشت آن است که خداوند فرشته‌ای را بر بهشتیان گماشته است تا هر روز آنان را مخاطب ساخته ندا سر دهد: ای اهل بهشت! جاودان خواهید بود! و فرشته‌ی دیگری ندا سر می‌دهد: آگاه باشید که برای شماست هر چیزی که بخواهید و بیشتر! و نعمت دیگر آن است که خداوند گرما و سرما و تاریکی را از بهشت و رنج و بیماری و پیری را از اهل آن برداشته است و نعمت دیگر آن است که هیچ روزی از روزهای بهشت با روز پیشین برابر نیست و نعمت دیگر آن است که گاهی اهل بهشت اهل دوزخ را در میان عذاب مشاهده و با آنان گفتگو می‌کنند و نعمت دیگر آن است که فرشتگان با اهل بهشت و اهل بهشت با فرشتگان سخن می‌گویند و نعمت دیگر آن است که اهل بهشت جز زیبایی نمی‌بینند و جز زیبایی نمی‌شنوند و دیدن اهل دوزخ دیدن عدالت است و نعمت دیگر آن است که بهشتیان در هر جای بهشت که بخواهند ساکن می‌شوند و نعمت دیگر آن است که خدا حساب را از اهل بهشت برداشته است و آنان را نمی‌رسد که در آن گناه کنند و نعمت دیگر آن است که خداوند درجات اهل بهشت را بالا می‌برد و نعمت دیگر آن است که اهل بهشت پادشاهان بهشت‌اند و دیگر آن که بهشت فراتر از این‌هاست!».

سپس آن حضرت به من روی نمود و فرمود: «آیا کافی نیست؟». عرض کردم: فدایت شوم، نیمی از آن چه فرمودی برای اهل خرد کافی است. سپس به یاران خود روی نمود و با آواز بلند فرمود:

«آگاه باشید! این بهشت برای شما و برای کسانی است که بر طریقت شما باشند و برای دیگران جز آتش نیست!».

شرح گفتار:

منظور از «طریقت شما» در این گفتار شریف، مجموعه‌ی عقاید و اعمال صالحی است که در



کتاب شریف «بازگشت به اسلام» بر پایه‌ی کتاب خدا و سنت متواتر پیامبر او و در روشنایی عقل سلیم تبیین شده و نمایانگر اسلام خالص و کامل است و هر کس آن را بپذیرد اهل بهشت و هر کس آن را نپذیرد اهل دوزخ است.

گفتنی است که بسیاری از یاران منصور، این گفتار شریف را با خود دارند و در آغاز روز می‌خوانند تا یاد بهشت در آن‌ها راسخ شود و از تعلق به دنیا تا پایان روز در امان مانند.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه



صفحه اینستاگرام پایگاه



صفحه کانال تلگرام پایگاه



صفحه فیسبوک پایگاه



لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.